

## گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله عباس کعبی درباره نقش امر به معروف و نهی از منکر در تحقق مبانی حقوق بشر اسلامی

# مردمی‌سازی حقوق بشر



گروه اندیشه: سازمان همکاری اسلامی سال ۱۳۶۹ شمسی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر را در سطح دولت‌های اسلامی به تصویب رساند. این سازمان سال ۱۳۸۷ شمسی بنا به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران سالروز تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصادف با ۱۴ مرداد، پنجم آگوست را به عنوان «روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» تصویب کرد و کشورهای اسلامی این روز را در تقویم ملی مناسبت‌های خود درج کردند تا بدین وسیله هر ساله راهکارهای اجرایی کردن این مفاهیم فراهم آید.

به این ترتیب دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی برای پاسداری از دین، جان و نسل بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم و با تأکید بر آزادی، اعلامیه ۲۵ ماده‌ای را به تصویب رساندند. از آنجا که تعریف حقوق بشر در مکتب اسلام با مکتب مادی غرب تفاوت اساسی دارد، مفاد و مواد این بیانیه تفاوت‌های جدی‌ای با بیانیه حقوق بشر غربی دارد. به منظور بازشناسی حقوق بشر و کرامت انسانی در اسلام و تفاوت‌های بنیادین آن با غرب با آیت‌الله عباس کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت‌وگو کردیم.

کلی از دایره حقوق خارج می‌کند. ۲- حقوق بشر اسلامی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی جامع؛ فطری؛ واقع‌گرا؛ متوازن و متعادل و پویا و الهام‌بخش و جهان‌شمول و تحقق‌بخش منافع و آرزوهای همه بشریت و پایان‌بخش مشکلات و بحران‌های اساسی و دارای ضمانت اجراهای عینی در صورت درک حق و عدل و شناسایی آن توسط جامعه جهانی است؛ برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر پایه الحاد و بی‌دینی و لیبرالیسم و امپریالیسم حقوقی فاتحان جنگ دوم جهانی تدوین شده است و صرفاً فرهنگ و تمدنی را نمایندگی می‌کند که به آخر خط رسیده است و در حال فروپاشی است و با بحران‌های بزرگ دست و پنجه نرم می‌کند که فهرست برخی از این بحران‌های فلج‌کننده جامعه جهانی بیابگر این امر است.

بحران قدرت و مدیریت مسائل بنیادین انسان؛ ایجاد ناامنی؛ تروریسم و جرم و جنایت‌های بی‌شمار؛ نابودی اخلاق و عاطفه و نگاه ابزاری به انسان و بردگی نوین و فساد و فروش و تجارت و انحطاط انسان و تلاش و کسب ثروت؛ ظهور و بروز تبعیض نژادی و فقر و شکاف طبقاتی و بی‌هویتی و گسست اجتماعی و بی‌معنا بودن زندگی.

بر اساس اعلامیه حقوق بشر اسلامی، در عین لزوم تلاش برای اجرایی کردن مفاد آن در کشورهای اسلامی و بازسازی امت واحده اسلامی و ضرورت دفاع از حقوق ملت‌های مظلوم فلسطین، یمن، بحرین و سایر ملت‌های تحت ستم و تضمین حق مقاومت در برابر اشغالگران و متجاوزان و ناقضان حقوق بشر در سطح کشورهای اسلامی؛ لازم است نهضت مطالبه‌گری و گزارشگری نقض فاحش حقوق بشر در غرب را به طور جدی دنبال کرد. ما می‌توانیم به طور فعال مدعی نقض فاحش حقوق بشر در غرب باشیم.

۳- شناسایی حقوق انسان در اسلام با احیای فطرت و کرامت انسان پیوند ناگسستنی دارد، در حالی که اعلامیه حقوق بشر غربی با تکرار حقوق طبیعی و تفسیر ناروا از آن، فطرت خدایی انسان را نادیده گرفته و با نگاه مکتب پوزیتویستی، کرامت انسان را در حد بعد حیوانی و بلکه پست‌تر از آن تنزل داده است. انسان در نگاه اسلام، جانشین خدا در زمین است؛ «انی جاعل فی الارض خلیفه»؛ دارای کرامت عام و فراگیر در همه عرصه‌های وجودی؛ «لقد کرما بنی آدم» در خوردار از نعمت‌های بی‌حد و حصر خداوند است؛ «و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» و دارای استعداد و توانمندی غیرقابل وصف براساس اصل تسخیر «سخر لکم ما فی الارض جمیعاً» و نیز امانت‌دار و مکلف به عمران و آبادانی و اصلاح جهان و مبارزه با فساد در سرتاسر گیتی «و حمل‌ها الانسان انه کان ظلوما جهولا» بر پایه کسب و ارتقای کرامت و رشد و تعالی انسانی «وفضلناکم علی کثیر ممن خلقنا فضیلاً» جهت رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی «قد افلح من تزکی» است.

۴- برخلاف اعلامیه حقوق بشر غربی که نظریه اراده و قدرت برتر مادی و غالب را بر اساس منطق فرعون و استکباری ضد بشری را ملاحظه قرار داده است؛ «قد افلح الیوم من استعلی»

به حق‌الله و حق‌الناس عمومی و فردی بر پایه امر به معروف و نهی از منکر طبق شرایط آن، ابزار تحقق حقوق بشر اسلامی است. این اصل مهم دولت را در مقابل مردم و مردم را هم در مقابل دولت مسؤول می‌داند. مردم در مقابل هم در مسؤول هستند و سازمان‌های دولتی را هم در مقابل هم مسؤول می‌داند که می‌توانند نسبت به هم امر به معروف و نهی از منکر کنند. به فرمایش علامه طباطبایی امر به معروف و نهی از منکر قوه مجریه اسلام است اما حقوق بشر غربی در درون خود چنین ضمانت‌های اجرایی ندارد و ضمانت اجرای حقوق بشر غربی قدرت دولت‌هاست و دولت‌هایی که سازنده حق باشند نمی‌توانند ضمانت اجرایی این حق باشند بلکه حق را به نفع خودشان و برای خودشان تفسیر می‌کنند.

■ اگر موافق باشید، بازگردیم به سؤال اول و اصلی این گفت‌وگو و بیشتر درباره تمایز حقوق بشر غربی و اسلامی صحبت کنیم. اعلامیه‌های حقوق بشر غربی و اسلامی را اگر آیین‌های از حقوق بشر در این ۲ مکتب بدانیم چه تفاوت‌های بنیادینی بین این ۲ وجود دارد؟

۱- حقوق بشر اسلامی تفاوت ریشه‌ای و مبنايي با حقوق بشر غربی دارد. حقوق بشر اسلامی؛ بر پایه توحید و بندگی خدا و آزادی توأم با مسؤولیت انسان در برابر خداوند و حیات و کرامت انسانی و برادری و برابری و رحمت و مودت و جهاد و مقاومت و نفی ستمگری و ستم‌کشی و برقراری صلح و امنیت و همگرایی و عدالت و پیشرفت و ساخت تمدن نوین انسانی بر پایه اسلام استوار است. منظومه حقوق سه‌سطحی و بر حسب اهمیت ترتب دارد؛ حق‌الله و حق عمومی و حق فردی. در حالی که حقوق بشر غربی اولویت را به حق فردی با نگاه لیبرالیستی می‌دهد و حق‌الله را به طور

نمی‌شود براساس قدرت برای فرهنگ و تمدن خاص تحمیل کرد.

بنابراین مجموعه حق‌هایی که بر پایه عقد، عهد و قرارداد به وجود می‌آید، اینها را به عنوان حقوق مشترک انسان‌ها به رسمیت می‌شناسیم و این حق‌ها را مقدس می‌دانیم. «أوفوا بالعقود» که باید به این عقدها و عهدها پایبند باشیم و نقض عهد و عقد جایز نیست. سطح سوم گفت‌وگو با غربی‌ها در معیارهای حقوق بشر، گفت‌وگوی اجرایی است که نقض می‌تواند به حقوق بشر را در کشورهایشان احصا کنیم و معیارهای دوگانه اینها را برشماریم و آنها هم همین معیارهای دوگانه را براساس حقوق بشر اسلامی بازگو کنند؛ همانگونه که خداوند می‌فرماید: «الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّعَ وَ هَمَانُكُونَهُ كَهْ حَضْرَتِ عَلِيٍّ (ع) می‌فرماید: «الْحَقُّ أَوْلَى الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَأْفِ وَأَصْبَحْنَا فِي التَّوَأْفِ، لَا يُجْرَى لِأَحَدٍ إِلَّا جُرَى عَلَيْهِ وَ لَا يُجْرَى عَلَيْهِ إِلَّا جُرَى لَهُ؛ حق در توصیف و گفتار گسترده‌ترین چیزهاست اما در عمل تنگ‌ترین چیزهاست. کسی را حقی نیست جز آن که بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز آن که او را نیز بر دیگری احقی است.»

یعنی در مقام توصیف حقوق خیلی می‌توان شعار داد اما در مقام عمل افراد از حق باز می‌ایستند و در عمل ما باید در جست‌وجوی منظومه‌ای باشیم که حقوق بشر اجرا شود. ■ ضمانت اجرایی رعایت حقوق بشر در اسلام چیست؟ چرا که همان طور که اشاره کردید اینها در شعار زیباست ولی در مقام عمل ضمانتی وجود ندارد. پاسخ و راه‌حل اسلام برای این مساله چیست؟

به نظر می‌آید که امر به معروف و نهی از منکر در اسلام منظومه اجرایی حقوق بشر است. ایجاد مسؤولیت همگانی برای پایبندی

خود پاسدار و حافظ این حقوق باشند. این مدل که مورد حمایت کشورهای غربی است، چه مشکلاتی دارد و به نظر شما آیا مدل قابل اجرا و موفق می‌تواند باشد؟

حقوق بشر نوع غربی ضمانت اجرا ندارد، چرا که قدرت و دولت نمی‌تواند حقوق ساز باشد و حقوق ساخته و پرداخته دولت‌ها نمی‌تواند فساد قدرت را از بین ببرد و این یک چرخه باطلی است که حق را دولت‌ها و قدرتمداران می‌خواهند بسازند. دولت‌ها و قدرتمداران نمی‌توانند حق ساخته خود را برای کنترل فساد، ابزار قرار دهند.

قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق هم فساد مطلق می‌آورد، بنابراین چگونه قدرتمداران دستگاه حق‌ساز می‌شوند و چگونه حق، قدرتی که آن را به وجود آورده است را کنترل می‌کند، در حالی که در منظومه حقوق اسلامی هم دولت و هم ملت تابع حق‌های ایجاد شده توسط خدای متعال برای تحقق کرامت انسان هستند.

ما در ۳ سطح می‌توانیم با مدعیان حقوق بشر غربی گفت‌وگو کنیم. سطح اول گفت‌وگو برای رسیدن به حق مطلق است. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ». بر پایه این گفت‌وگو رسیدن به حق مطلق و شناخت حق مطلق پایه حقوق بشر است. حقوق بشر جهانی بر پایه توحید امکان تحقق واقعی و امکان اجرای واقعی دارد.

سطح دوم گفت‌وگو، اگر اینها بگویند که ما خدا را قبول نداریم، ما می‌گوییم حق‌هایی بین بشر مشترک است که قراردادی باشد و بر پایه قرارداد و تعهد مورد قبول ملت‌ها و دولت‌ها و فرهنگی و تمدن‌های گوناگون باشد. حق را

کرد. ■ اتفاق یکی از شعارها و ادعاهای پرسروصدای غربی‌ها ادعای دموکراسی و حق تعیین سرنوشت است اما شما می‌گویید اینها به دنبال انزوای مردم از صحنه‌های اصلی اجتماعی و سیاسی هستند. این دو چگونه با هم جمع می‌شوند و تحلیل شما در این حوزه چیست؟

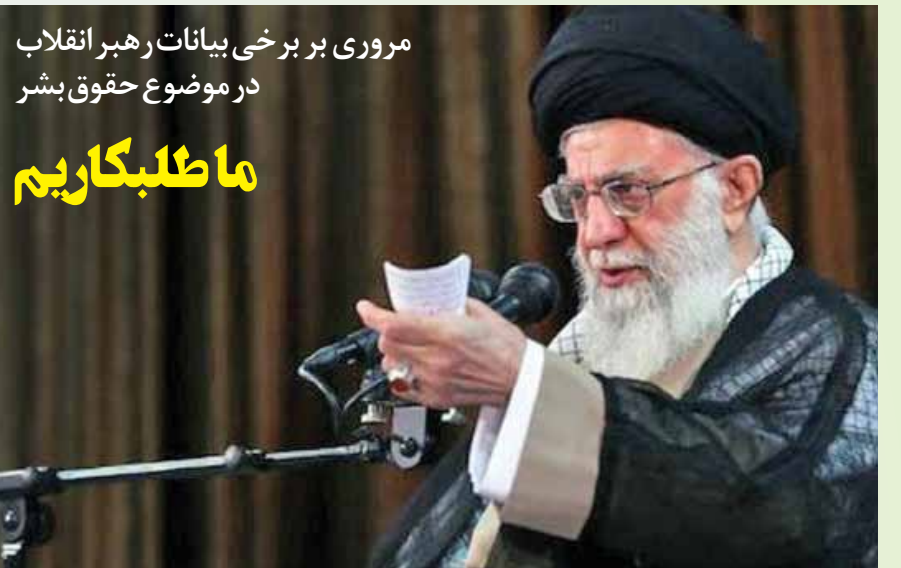
بینیاید! غربی‌ها به ظاهر شعار حکومت مردمی می‌دهند اما عملاً به دلیل لیبرالیسم و بی‌توجهی دولت‌ها به فرهنگ‌ها و ساخت‌های عمومی زندگی اجتماعی و سیاسی و ساماندهی کرامت حقیقی انسان، مردم نسبت به سیاست‌ها و سیاستمداران و مدل‌های حکومت‌ها بی‌تفاوت شدند و سر در لاک زندگی شخصی بردند و نسبت به زندگی عمومی بی‌تفاوت شدند؛ در نتیجه مشکل سومی که برای انسان‌ها ایجاد شده، مناسبات ظالمانه طاغوت و استبداد جهانی و شیطننت و مکر و حيله جهانی در چارچوب نظام سلطه جهانی و نظام استکبار جهانی است که سردمدار آن آمریکا و صهیونیست مدعی حقوق بشر هستند و در این میان هویت انسان‌ها مسخ شده است. به نظر بنده بر پایه منظومه اسلام زیرساخت اصلی حقوق بشر و اصلی‌ترین حق بشر، توحید و بندگی خداست که از دل این حق، عدالت و پیشرفت و کرامت انسان متولد می‌شود. ظلمی که حقوق بشر غربی به بشر کرده این است که برای انسان بریده از خدا و انسانی که ابتدا و انتهای حرکت او معلوم نیست می‌خواهد منظومه حقوقی درست کند که این شدنی نیست.

■ عده‌ای مطرح می‌کنند هر کشوری می‌تواند بر اساس خرده‌جمعی حقوق اساسی مردم را تعیین کرده، در نظام سیاسی خود آن را تصویب کند و دولت و حکومت هم با استفاده از قدرت قانونی

جناب آیت‌الله کعبی! امروز سالروز تصویب حقوق بشر اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی است. ابتدا بفرمایید حقوق بشر از منظر اسلام چه ابعادی دارد و تفاوت و تمایز اصلی آن با حقوق بشر غربی چیست؟

منظومه حقوق بشر اسلامی سه ضلعی است. ضلع اول رعایت حق‌الله است و منظور از حق‌الله تحقق منافع عمومی و جلوگیری از مفاسد عمومی در پرتو بندگی خداست. ضلع دوم حق‌الناس عمومی است. مثل امنیت، نظم، رفا، معیشت، تعلیم و تربیت، بهداشت، برخورداری از خدمات و حقوق شهروندی. ضلع سوم حق‌الناس فردی است. منظومه حقوق بشر غربی بر پایه حق‌الناس فردی و لیبرالیسم است و به حق‌الناس عمومی و حق‌الله بی‌توجه است و در واقع به نام حقوق بشر فردی، بستر را برای الحاد نظری و عملی که تجاوز به حقوق عمومی انسان‌هاست آماده می‌کند. از این جهت بستر را برای بی‌تفاوتی و بی‌مسؤولیتی در عرصه‌های عمومی زندگی و بی‌مسؤولیتی برای مسخ هویت انسانی و مسخ کرامت انسانی به نام توجه به حقوق بشر فردی فراهم می‌کند.

علت اصلی مشکلات بنیادین انسان معاصر که حقوق بشر را از بین برده و معیارهای دوگانه حقوق بشر را شکل داده، الحاد نظری و عملی است. الحاد نظری یعنی انکار وجود خدای هستی‌بخش و الحاد عملی یعنی به نام جدایی دین از دولت و دین از سیاست‌های زندگی اجتماعی بر پایه سکولاریسم، حق‌الناس عمومی یا حقوق عمومی را از بین بردن و بستر را برای حکومت‌های جنایتکار و مدعی حقوق بشر و منزوی کردن مردم از ساخت‌های زندگی سیاسی و اجتماعی به نام لیبرال - دموکراسی فراهم کردن و آنها را بی‌تفاوت و منزوی



## مروری بر برخی بیانات رهبر انقلاب در موضوع حقوق بشر

### ما طلبکاریم

ما در زمینه مسائل حقوق بشر از دنیا طلبکاریم، ما بدهکار نیستیم! در آن سال‌های اوایل انقلاب به دانشگاه دانا می‌رفتم، مرتب می‌رفتم سخنرانی می‌کردم؛ دانشجویها سوال می‌کردند، جواب می‌دادم. یک وقتی یکی از دانشجویها از بنده پرسید که شما درباره مساله زن چه دفاعی دارید؟ جمهوری اسلامی چه دفاعی دارد؟ بنده گفتم ما هیچ دفاعی نداریم! ما حمله‌ای داریم، ما هجومی داریم! دفاع چیست؟ ما در زمینه زن! مدعی هستیم، ما در قضیه زن، مدعی دنیا هستیم، مدعی رژیم طاغوت - آن‌وقت‌ها که آن حرف‌ها مطرح بود - هستیم، ما دفاع نداریم.

یکی از کارهای واجب و لازم بر عهده مسؤولان امت اسلامی و مدعیان حقوق بشر، تشکیل یک هیات حقیقت‌یاب در این قضیه است؛ باید بروند حقیقت را روشن کنند؛ با اینکه حالا یک‌سال هم گذشته است اما مصاحبه‌هایی شده است، عکس‌هایی برداشته شده است، اسناد و مدارکی وجود دارد که می‌تواند حقیقت را تا حدود زیادی روشن کند؛ بروند یک گروه حقیقت‌یاب، حقیقت‌مطلب را در پیابند؛ معلوم شود که در این حادثه آل سعود مقصر هستند یا نیستند - آنها می‌گویند ما مقصر نیستیم - معلوم شود، واقعیت قضیه روشن شود که اینها مقصرند یا مقصر نیستند. این سلسله و شجره خبیثه ملعونه، دهان‌ها را با پول می‌بندند، این بندگان پول و بندگان دنیا، نمی‌گذارند کسی [علیه] اینها حرفی بزند، اعتراضی بکند. یک هیات حقیقت‌یاب لازم است، باید بروند از نزدیک ببینند، مساله را بررسی کنند؛ هر چه [می‌خواهد] طول بکشد. این از جمله کارهایی است که مسؤولان محترم ما هم باید در نظر بگیرند و دنبال کنند و اهمیت [بدهند]. این هم یک بعد قضیه است.

و وضع می‌کردند! یعنی این تناقض در عمل و قول، این ریاکاری غربی‌ها [مشهود است]. در عمل آن جور، در زبان این‌جور؛ کشورهای اروپایی، بعد هم آمریکا به معنای واقعی کلمه در سرتاسر دنیا انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند. خب اینها شاهکارهای تمدن غرب است؛ اینها شاهکارهای تمدن غرب است. یک بعد دیگر، نگاه به دنیای مدعی حقوق بشر است. خب، یک جا یک نفری با یک اتهامی در یک کشوری فرضاً بفرمایید به قتل می‌رسد، [یعنی] اعدام می‌شود یا اینقدر اهمیت پیدا می‌کند که جنجال می‌کنند [اما] چند هزار انسان در یک چنین حادثه‌ای - نه یک حادثه تصادفی، نه سقوط یک هواپیما، بلکه در یک حادثه‌ای که وظیفه‌مند بودند کسانی که این حادثه را درست مدیریت کنند؛ آنجا اینها به اصطلاح صاحبخانه‌اند، اینها متولیان امرند، وظیفه آنها بوده است که امنیت اینها را حفظ کنند - به خاک و خون کشیده بشوند و اینها هیچ چیز نگویند؛ سکوت محض کنند!

درباره پناه ببرد، بعد آن دریاچه را آتش بزنند! حالا شما فکرتش را کنید، این اتفاق افتاده! مثلاً این قضیه اتفاق افتاده به وسیله فرانسوی‌ها. به وسیله انگلیسی‌ها در هند در یک باغی ۶ هزار نفر جمع شدند به عنوان تظاهرات، انگلیسی‌ها آمدند مسلسل گذاشتند دم در آن باغ، یکسره ۶ هزار نفر را در یک روز یا در نصف روز و در چند ساعت به قتل رساندند! حالا اینکه مثلاً برای ۵۰ سال، ۱۰۰ سال قبل است، لکن همین زمان خودمان سر قضایای داعش و سر قضایای سوریه و سر قضایای میانمار، شما ببینید اینها واقعا چه کردند! آن‌وقت اینها مدعی حقوق بشرند؛ ما حرف داریم در زمینه حقوق بشر، ما ادعا داریم علیه مدعیان دروغگو و وقیح حقوق بشر؛ این کارها، کارهای بسیاری خوبی است که خب بحمدالله در قوه‌قضائیه دارد انجام می‌گیرد. \* \* \*

غربی‌ها ۳ قرن دنیا را غارت کردند؛ ۳ قرن! دنیا را غارت کردند. از شرق آسیا، از اندونزی، از فیلیپین، از نیبال، از شبه‌قاره هند بگیرند تا آسیای مرکزی و آسیای غربی و تا شمال آفریقا، بخش‌های مغرب آفریقا و تا سرتاسر آفریقای سیاه؛ غربی‌ها ۳ قرن اینها را غارت کردند؛ به اینجا اکتفا نکردند، آمریکا جنوبی را هم دست گذاشتند، آنجا را هم غارت کردند؛ قاره آمریکا را [قاره آمریکا هم صاحبان داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ اینها با حيله‌های گوناگون - که همه اینها در تاریخ‌های دقیق مشخص است؛ کتاب بخوانید آن‌ها! الله، این حقایق را بیشتر از نزدیک درک کنید - قاجاره آفریدند؛ قتل، غارت، کشتار جمعی، شکنجه، فشار، برده‌گری، برده‌داری؛ این کارها را غربی‌ها کردند. در این ۳ قرن، در همان حالی که غربی‌ها در عمل این‌جور مشغول جنایت بودند، روشنفکران‌شان و متفکران‌شان برای دنیا قانون حقوق بشر کشف می‌کردند

\* \* \*

دعوت اسلام، دعوت به نور است؛ دعوت به علم است، دعوت به انصاف است، دعوت به محبت است، دعوت به وحدت است، دعوت به عدالت است؛ در زندگی جماع بشری اینها همه نورانیت است، اینها همه نور است. مهم این است که این دعوت در زبان و بر روی کاغذ نماند؛ امروز هم [اگر] شما به اسناد سازمان ملل یا حتی اسناد بعضی از کشورهای مستکبر نگاه کنید از این حرف‌های خوب در آن هستند، شما اعلامیه حقوق بشر را و بقیه چیزها را نگاه کنید همین حرف‌های خوب در آن هست اما اثری از آن در عالم واقع وجود ندارد.